کُرِی‌خوانی نسل‌های سوخته

شرق: آنچه به‌عنوان قضاوت درباره گروه‌های سنی یک دهه در جامعه وجود دارد، تقصیر آنها یا عامل آن نبوده‌اند و چه بسا خودشان متضرر باشند. و به قول معروف زندگی یک نسل در میان تصمیمات و تحولات و اتفاقات آن دوران سوخته شده باشد. همان‌طور که دهه‌شمسی‌ها خودشان را نسل سوخته می‌دانند، دهه پنجاهی‌ها هم همین حس را نسبت به دوران خودشان دارند و همان‌طور که دهه هفتادی‌ها می‌گویند، نسل سوخته‌اند و برای آن یک لیست بلندبالا از مشکلات دارند. مدعیان جدید یعنی دهه ۸۰ هم خودشان را محروم از بسیاری امکانات و نیازها و نسل سوخته می‌دانند. این قضاوت‌ها اگرچه ماهیتی رسمی ندارند، اما مانند کُری‌خواندن طرفداران تیم‌های ورزشی در محافل خانوادگی و دوستانه یا رسانه‌های اجتماعی همگانی این موضوعات مطرح می‌شود. همان‌طور که قبلا ازدواج‌نکردن دهه‌شمسی‌ها سوژه بود، حالا ازدواج زودهنگام و کودک‌همسری و در ادامه طلاق زودهنگام دهه هفتاد و هشتادی‌ها تبدیل به موضوع و سوژه شده است. با این تفاوت که در این زمینه اگرچه بخش اول یعنی ازدواج از نظر دولت‌ها مشکلی ندارد، اما بخش دوم یعنی طلاق آن هم با دوره زندگی کمتر از یک سال و بدون فرزند، حداقل برای دولت‌ها قابل قبول نیست و به‌عنوان یک دهه‌شمسی می‌توانیم بگوییم از تغییر بسیاری از رویکردها در نسل جدید خوشحال و امیدوار می‌شویم! اما این امیدواری تا جایی است که منجر به آسیب به خودشان و زندگی خود و اطرافیان و شاید فرزندانی که از این ازدواج‌های عجولانه به دنیا می‌آیند نشود؛ اما آمارهایی که از داده‌کاوی خانواده و بازار دفاع وکالت برای طلاق شنیده می‌شود، دلسردکننده هستند و بیشترین سهم این بازار برای دهه هفتاد و هشتادی‌ها است. آن‌طور که آمار و کارشناسان حقوقی و قضائی می‌گویند، مهم‌ترین دلیل در به سرانجام نرسیدن زندگی مشترک در این گروه‌های سنی، همین سن پایین آنها و کاه اختلاف سنی زوجین (ازدواج دهه هشتاد با دهه شصت)، تحصیلات زوجین و مشکلات مالی و اقتصادی (عموما امکان تأمین معاش ندارند و وابسته به خانواده هستند) است؛ اما قطعا بازار سیاه دیگری در این تصمیم تأثیر دارد.

قبل از هر قضاوتی درباره این گروه‌های سنی لازم است گفته شود که همه دولت‌های مسئول در این چند دهه و خانواده‌هایی که تا حد زیادی، تکرار اشکالات و اشتباهات نسل قبل خود بوده‌اند، هیچ‌گونه برنامه‌ریزی برای گروه‌های سنی مختلف و نیازهای آنها در هر برحه زمانی نداشته‌اند و هر آنچه به‌عنوان رفتار نسل‌ها تعریف می‌شود، به نوعی بازتاب کمبودها، محدودیت‌ها و اعمال قوانین مختلف دولت‌ها و خانواده‌ها بوده است. نکته دیگر این است که بعد از بلاهایی که بر سر نسل ۵۰ و ۶۰ آمد، این داستان برای نسل‌های ۷۰ و ۸۰ و حالا هم ۹۰ ادامه پیدا کرده و تامیدی بیشتر اینکه والدین این کودک‌همسرهای امروز، همان نسل‌های بلادیده ۵۰ و ۶۰ هستند.

براساس آمار سازمان ثبت احوال، ازدواج دختران کمتر از ۱۵ساله در سال ۸۳، نزدیک به ۳۰ هزار و ۳۰۰ مورد بوده است که این رقم در سال ۹۴ به ۴ هزار و ۴۰۲ مورد افزایش یافته است. همچنین هزارو ۵۷۲ مادر کمتر از ۱۵ساله در سال ۸۳ به ثبت رسیده که در سال ۹۳ این رقم به هزارو ۷۱۳ نفر افزایش یافته است. این آمار شاید برای آن گروه از متولیان امور کشور که طرفدار ازدواج زودهنگام و کودک‌مادر هستند، جذاب هم باشد و بکوبند اشکالی در این روند نمی‌بینند؛ اما وقتی آمار طلاق همین گروه سنی را جلوی‌شان بگذاریم، فرافکنی‌های مختلفی را شروع می‌کنند و دست آخر دستورهایی برای محدود و سخت‌شدن روند صدور طلاق اتخاذ می‌شود، اما کمان که با تاخیر در صدور طلاق قطعی این نوجوانان به زندگی‌شان برمی‌گردند!

کشوری که کودکانش در ۱۲ سالگی درگیر ازدواج هستند و در ۱۸ سالگی طلاق، چه شهروندانی تولید می‌کند؟!

مهر: در بسیاری از پرونده‌های طلاق بیشتر متولدین دهه ۷۰ و سال‌های ۶۸ و ۶۹ تحت مدیریت خانواده و مادر اقدام به طلاق توافقی می‌کنند.

سعید کاویانی، مدیرکل پیشگیری از جرم دادگستری قم: بیش از ۵۰ درصد طلاق‌ها مربوط به متولدان دهه ۶۰ و ۷۰ است. عامل ۶۰ درصد طلاق‌ها ناموفق بودن زوجین در برقراری ارتباط کلامی، معنوی، جنسی و اجتماعی است/ ایرنا

به جوری میگن طلاق به دهه هفتادی‌ها رسید. انگار طلاق یه بیماری واگیردار مربوط به دهه ۶۰ به قبل بوده که با توزیع گسترده واکسن انتظار می‌رفته تو دهه ۷۰ شیوع پیدا نکنه

سیر تطور واژگان جدایی تا دوران اوج تحریم‌ها:

دهه ۵۰: آدما از هم جدا نمی‌شن / دهه ۶۰: باید طلاق بگیریم / دهه ۷۰: یا جدا شیم

دهه ۸۰: ما به درد هم نمی‌خوریم / دهه ۹۰: ببین، راستش ما رابطه‌مون کار نمی‌کنه

دختر همکار بابام طلاق گرفته

زنان در کل کشور حدود ۳۳ سال بوده است؛ اما به شکل جزئی‌تر باید گفت میانگین سن طلاق در متولدان دهه ۵۰ حدود ۳۱ سال بوده و در دهه ۶۰ حدود ۳۰ سال بوده است. با این حال میانگین سن طلاق برای متولدان نیمه اول و دوم دهه ۷۰ به ترتیب ۲۲ سال و ۱۸ سال و برای نیمه اول دهه ۸۰ به حدود ۱۵ سال رسیده است. این روند مستقیما با کیفیت ازدواج و مدت‌زمان زندگی مشترک ارتباط دارد و این افراد کمترین زمان زندگی مشترک را داشته‌اند.

با چه جمعیتی طرف حساب هستیم؟

مسئله‌ای که در مورد ازدواج زودهنگام و طلاق کوه‌های سنی دهه ۷۰ و ۸۰ مطرح می‌شود این است که آیا غیر از موضوع ازدواج و طلاق این نسل (منظور جمعیت درگیر با مقوله طلاق است و مخاطب این جملات همه گروه جمعیتی نیستند)، در امور دیگر زندگی خود هم موفق بوده‌اند؟ آیا در زمینه تحصیلات و موفقیت شغلی و ارتباط با خانواده و اجتماع شبیه نسل‌های قبل و بعد خود هستند؟ موفق بوده‌اند و توانسته‌اند الگو و عملکرد خوبی از خود نشان دهند؟

در این مورد کارشناسان حوزه روان‌شناسی و آسیب‌های اجتماعی به موضوع بلوغ زودهنگام و تنش و تضادی که نسل در این دو دهه داشته است اشاره دارند. بسیاری معتقدند با وجود گسترش رسانه‌های جمعی و افزایش زمینه‌های ارتباطات اجتماعی و منابع اطلاعاتی موجود در جامعه، کودکان بسیار زودتر از زمان معمول به بلوغ فکری و جسمی می‌رسند. ظرفیت‌های غیرزنی در همین سنین نوجوانی و شروع دوران جوانی در بیشترین سطح خود قرار دارد و بسیاری برای تأمین این نیاز به سمت روابط جنسی و در نهایت ازدواج کشیده می‌شوند. از آنجایی هم که برای این دو نسل برعکس دهه ۵۰ و ۶۰ زمینه‌های تأمین این نیاز جز از طریق ازدواج فراهم بوده، بخش زیادی از آنها را وادارشدن در رابطه با به ازدواج‌کردن ترجیح داده‌اند.

نکته دیگر در مورد این گروه از جوانان متولد دهه ۷۰ و ۸۰، عدم استقلال مالی نسبت به خانواده و همسرشان است. اگرچه بخش قابل توجهی از این جوانان شاغل و موفق هستند اما روند کلی استقلال مالی این گروه فاصله زیادی با نسل‌های قبل دارد و نمونه‌هایی که با کمک والدین ازدواج کرده‌اند و بعد از ازدواج هم کماکان وابسته به کمک والدین هستند زیاد دیده شده است. بسیاری از پسران این گروه سنی با پول والدین مراسم ازدواج از برگزار کرده و توان به‌دوش‌کشیدن بار هزینه‌های زندگی و نیازهای همسر بدون کمک مالی والدین را ندارند و به عبارتی بارشان روی دوش والدین می‌افتد. در این شرایط اگر زن که او هم از همین دهه ۷۰ و ۸۰ است درخواست‌های جدید و یا هزینه‌های قابل توجه داشته باشد و مرد نتواند تأمین کند، منجر به اختلاف و تنش بین زن و مرد و بعد طلاق خواهد شد.

ویژگی دیگر این است که بسیاری از دختران و پسران نوجوان قبل از کسب تجربیات زندگی به دنبال رهایی از قید و بند خانواده و تسلط والدین، به ازدواج زودهنگام روی می‌آورند. نداشتن تجربه زندگی در محیط‌های اجتماعی، تحمل کم در مقابل مشکلات زندگی و کمبودها خیلی زود آنها را سرخورده و ناکام می‌گذارد و در نهایت ازدواج منجر به طلاق زودهنگام خواهد شد. این موضوع به خصوص در میان دختران که احساس تسلط و کنترل بیشتری از سوی خانواده‌ها دارند، بیشتر اتفاق می‌افتد و پس از ازدواج و رفتن زیر یک سقف مشترک متوجه می‌شوند که نه تنها فردی که انتخاب کرده‌اند، توان تأمین نیازهای آنها را ندارد، بلکه میزان آزادی و عملکرد آنها به واسطه مسئولیت‌شان در زندگی هم شده است. به همین دلیل است که ترجیح می‌دهند از زیر این بار شانه خالی کنند.

یکی دیگر از ویژگی‌های متفاوت این نسل امکان ریسک بیشتر در زندگی به واسطه قرارگرفتن در سن نوجوانی و جوانی است که به آنها انگیزه و فرصت ریسک بیشتری را می‌دهد. دختری که در سن ۱۵ سالگی یا کمتر ازدواج کرده و تجربه یک ازدواج یک سال و در زندگی مشترک در شروع ۸ سالگی بوده و در نتیجه با قضای بر از شکست یا خسران کمتری نسبت به افرادی دارد که در سنین بالاتر طلاق می‌گیرند. بسیاری از دختران و پسران در آمارهای ثبت احوال موجود دارد که در ۸ سالگی و در حالی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند ازدواج دومشان را ثبت می‌کنند. جالب‌تر اینکه ممکن است این ازدواج و طلاق‌های زودهنگام برای گروه‌های دیگری در جامعه نگران‌کننده باشد اما برای خود این افراد تبدیل به اتفاق معمول و در برخی موارد یک مد شده است.

موضوع دیگر این است که این گروه سنی کم سن و سال که به سرعت به دنبال ازدواج و طلاق است، در یه سطحی از تحصیلات و موقعیت‌های شغلی قرار دارد و اینکه منبع درآمدی برای گذران زندگی دارد و مستقل است یا نیاز به کمک والدین دارد؟ طبق سرشماری سال ۹۵ که می‌توان اعداد آن را به نسبتی تا امروز نسبت داد، ۲۶ درصد زنان بدون همسر به دلیل شاغل و هفت درصد آنها بی‌کار هستند و نزدیک به نیمی از آنها خانه‌دار هستند و توضیحی در مورد منابع درآمدی خود نداده‌اند. شنس درصد محصل بوده‌اند و شش درصد دارای درآمد بدون شغل و هفت درصد هم مابقی و سایر قید شده است.

مطلقه‌های زیر ۱ سال و تحت تکفل پدر

مراجع حقوقی و خانواده همواره با زنانی مواجه بوده‌اند که برای طلاق اول یا دوم خود مراجعه کرده‌اند اما همراه والدین خود هستند چراکه هنوز زیر ۱۸ سال هستند و حتی پس از طلاق و حداقل تا پایان ۱۸سالگی باید تحت تکفل پدر باقی بمانند. این عدد در گذشته رقم بیشتری داشته که اگرچه در چند سال اخیر روند کاهشی دارد اما همچنان تعداد طلاق‌های زیر ۱۸ سال قابل توجه است. اگر حداقل پنج سال اخیر را مرور کنیم متوجه تغییر آمار می‌شویم. در سال ۹۶ تعداد دختران کمتر از ۱۵ سال طلاق‌گرفته هزارو ۴۸ مورد بوده که این رقم در سال ۹۹ به ۷۳۴ مورد رسیده و تا پایان پاییز ۱۴۰۰ بیش از ۶۱۰ مورد بوده است. همچنین تعداد زنان طلاق‌گرفته در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال در سال ۹۶، بیش از ۶۲ هزار و ۷۹۰ مورد بوده که این عدد در سال ۹۹ به ۱۴ هزار و ۶۲۸ مورد رسیده است. این عدد تا پایان پاییز ۱۴۰۰ به ۱۰ هزار و ۵۵۵ مورد رسیده است.

در واقع این تعداد قابل توجه از دختران گروه سنی بین ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ که عموما بین سه گروه سنی کمتر از ۱۵ سال، ۱۵ تا ۱۹ سال و ۲۰ تا ۲۴ سال ازدواج کرده‌اند، تبدیل به شکفتی آمار طلاق در نیمه دوم دهه ۹۰ ۸ اموزد شده‌اند.

در آمارها مشاهده می‌شود که هرچه زن در هنگام ازدواج جوان‌تر باشد، سرعت ازدواج مجدد او پس از طلاق بیشتر است؛ به عنوان مثال متولدین نیمه اول دهه ۸۰ در سال ۹۷ پس از حدود پنج ماه از گذشت طلاق، ازدواج کرده‌اند؛ درحالی که برای زنان مسن‌تر این زمان بیش از یک سال بوده است. طبق آمار بهزیستی، ازدواج مجدد در متولدین دهه ۷۰ بیشتر از متولدین دهه ۶۰ و ۵۰ است؛ همان‌طور که طلاق در نیمه دوم بیشتر مشاهده می‌شود.

فرزند آسیب‌هایی که این ازدواج‌های زودهنگام و طلاق‌ها دارند، موضوعات زیادی مطرح است و اگرچه نسل جدید وقوع طلاق را آن‌قدرها جدی نمی‌گیرد، اما واقعیت‌های جامعه می‌گوید این ازدواج و طلاق‌های زودهنگام برای گروه‌های دیگری در جامعه یا برای دختران به همراه دارد. کمترین مورد در این مسئله دوری از فضای تحصیل یا حذف از مدرسه و احتمالا داشتن فرزند است که دیگر تحت تکفل مرد قرار می‌گیرد و این دختران که خودشان به نوعی کودک‌همسر و کودک‌مادر محسوب می‌شوند، دچار مشکلات روحی و عاطفی هستند. همه این موضوعات در شرایطی است که مشکلات مالی نداشته باشند و در خانه پدری به زندگی ادامه دهند و دوباره تحت تکفل پدر قرار گیرند.

دلایلی برای همه نسل‌ها

روند طلاق در سه دهه اخیر همواره افزایشی بوده است و در هر دوره‌ای برخی از دلایل بیشترین سهم را در وقوع پدیده طلاق دارند. با این وجود، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی به‌خصوص در مناطق شهری همواره در صدر دلایل قرار دارند. روند وقوع طلاق در آستانه انقلاب اسلامی و چند سال منتهی به قبل و بعد از آن ثابت می‌ماند، اما با شروع تحولات در جامعه و از حدود سال ۱۳۷۳ روند طلاق‌ها افزایشی می‌شود.

پژوهش‌های طلاق ایران چند موضوع را مدنظر دارند، کنترل آسیب‌های اجتماعی خصوصا مواد مخدر، توجه به سطح رفاه اجتماعی و اثرگذاری و اثرپذیری تغییرات اجتماعی. در این میان تحقیقات زیادی در داخل و خارج از کشور وجود دارد که سن ازدواج و اختلاف سنی زوجین را به عنوان رایج‌ترین عامل مؤثر بر طلاق عنوان می‌کنند.

سارا گلستانی
کارشناس ارشد مشاوره خانواده

نسل جدید به دنبال تجارب متفاوت با والدین

فاکتورها و عوامل مختلفی را می‌توان در مورد ازدواج زودهنگام و طلاق‌های قابل توجه در سنین دهه‌های ۷۰ و ۸۰ برشمرد. همچنین فرضیه‌های مختلفی در مورد این دلایل در میان گروه‌های مختلف مردم و رسانه‌ها و کارشناسان وجود دارد اما این موضوعات بدون پژوهش میدانی و مستند قابل استناد و اعتبار و علمی نیستند و نباید انگشت اتهامی را به سمت این گروه سنی نشانه گرفت. ضمن اینکه باید توجه داشت، مؤلفه‌های ناشناخته زیادی در مورد این موضوع وجود دارد که به دلایل مختلفی هنوز بررسی نشده است. با توجه به اینکه دهه ۷۰ و ۸۰ بدر و مادرهایی دارند که در دهه ۵۰ و ۶۰ زندگی کرده‌اند، یکی از اتفاقات تاثیرگذار در این آمارها می‌تواند فرایند رشد والدین و تجارب زیسته آنها باشد. مواردی که والدین تصمیم گرفته‌اند در روند برخورد با فرزندشان اصلاحات یا تغییراتی را ایجاد کنند بسیار گزارش شده است. مثلا ازدواج سنتی و عدم رضایت از ازدواج یکی از مواردی است که ممکن است والدین تصمیم گرفته باشند در آن تغییر ایجاد کنند و به فرزندانشان اجازه دهند خودشان تصمیم بگیرند و فرصت آزمون و خطا داشته باشند. یا در نوجوانی و در مرحله‌ای که نیاز داشتند هویت جنسی خودشان و جنس مخالف را یاد بگیرند، با محدودیت‌های اجتماعی و خانوادگی برای معاشرت مواجه بودند و حالا اجازه داده‌اند فرزندانشان این تجارب را داشته باشند. حتی می‌تواند ناشی از این باشد که والدین تعارضی بین رفتارهای سنتی و مدرن در مورد رابطه دو جنس و ازدواج دارند و اجازه ورود به رابطه قبل از ازدواج را به فرزندانشان می‌دهند اما عمق رابطه را با ازدواج و با درآمد معتبر می‌دانند و هرجا دیدند این رابطه جواب نمی‌دهد، دو طرف رابطه می‌توانند طلاق بگیرند. باید توجه داشت که فرزندان دهه ۷۰ و ۸۰ در شرایطی رشد کردند که منابع یادگیری و رشددشان دیگر فقط خانواده و والدین نبوده و منابع رشد اجتماعی و رسانه و تکنولوژی و ارتباطات اجتماعی اثر جدی و مستقیمی داشته است. عموم این گروه نسلی نسبت به والدینشان تجارب متفاوت و بیشتری دارند و خیلی زود وارد بسیاری از موضوعات مهم زندگی شده‌اند و در نتیجه با قضای بر از تعارض در این دهه‌ها مواجه هستیم که از یک سو والدین تلاش کرده‌اند برخی چیزها را که خودشان نداشته‌اند برای آنها جبران کنند و هم مهارت و شناخت کافی نداشته‌اند و منجر به عملکرد متعارضی شده است. در نتیجه بچه‌های دهه ۷۰ و ۸۰ بیشتر به سمت آزمون و خطا در رابطه و ازدواج پیش رفته‌اند و در این میان حتی از سقف طلاق هم گذشته‌اند و همچون نسل‌های قبل نگرانی چندانی از این موضوع نشان نمی‌دهند. نمی‌توان به طور مطلق در مورد خوب یا بد بودن این رفتارها و ادات تصمیمات این نسل صحبت کرد. چراکه این رفتارها از سوی این نسل در جریان روند تغییر و تحولات در جامعه و خانواده وبک جریان گذار فرهنگی شکل گرفته و عملا مرحله‌ای است که در تحولات فرهنگی هر جامعه‌ای ممکن است باشد. این فرایند اجتناب‌ناپذیر است. چراکه در حال گذار از مجموعه‌ای از تجربه و تحولات هستیم. در این مرحله گذار با شکل‌گیری نسلی مواجه هستیم که نه با نسل قبل سازگاری و شباهت دارد و نه با نسل بعد خود! با نسلی مواجه هستیم که تعریف خاص خودش را از رابطه و ازدواج و بسیاری از موضوعات دیگر دارد و کویا این نسل مسئولیت این تحولات را بر دوش می‌کشند. در مورد اینکه آیا انگیزه‌های مادی و استقلال‌طلبانه در میان دلایل طلاق این گروه سنی بیشتر است یا نه باید ارزیابی میدانی و با بررسی دلایل و شرح حال افراد باشد. یکی دیگر از فرضیات این است که این گروه نسلی با مشاهده زندگی والدین خود و بسیاری خانواده‌های دیگر و نوع واکنش و کارکردهای برخی ازرش‌ها در جامعه از جمله خانواده، آگاهانه یا ناآگاهانه اقدام به نوعی طغیان در مقابل این ارزش‌ها کرده‌اند و حالا برخورد متفاوت با رابطه و ازدواج و در ادامه طلاق هم جزئی از رفتارهای طغیانگر است. می‌توان گفت که تغییرات اجتماعی - محیطی و خانوادگی در حداقل دو دهه اخیر و بازشدن فضای عمومی و روابط اجتماعی تأثیر زیادی در وقوع این تحولات در نسل دهه ۷۰ و ۸۰ دارد اما تأکید می‌کنم باید چنین مؤلفه‌هایی مورد پژوهش میدانی بیشتری قرار گیرد تا تأثیر عوامل به شکل جزئی بررسی شود. برخورد علمی و به دور از انگزنی لازم است تا پژوهشگران بیشتر به دنبال دلایل این موضوعات به شکل میدانی و موردی بروند. در سال‌های اخیر به دلیل سرعت رشد ارتباطات و تکنولوژی نگاه نسل‌ها فاصله زیادی پیدا کرده چون تنها منابع ارزش‌گذاری والدین بودند و درست و غلط بودن ارزش‌ها را تعیین می‌کردند و فرزندان به همان شیوه ادامه می‌دادند اما امروز منابع مختلفی از آموزه‌ها برای فرزندان وجود دارد. فرزندان امروز، هوشیارتر هستند و حق انتخاب را مرک کرده‌اند و والدین رایکی از منابع کشف و شناخت می‌دانند و ارزیابی شخصی درمورد ارزش‌ها را حق خودشان می‌دانند. در این میان همه پدیده‌ها از جمله ازدواج و طلاق می‌توانند در چرخه ارزش‌گذاری آنها موقعیت متفاوتی نسبت به گذشته و نسل‌های قبل پیدا کند.

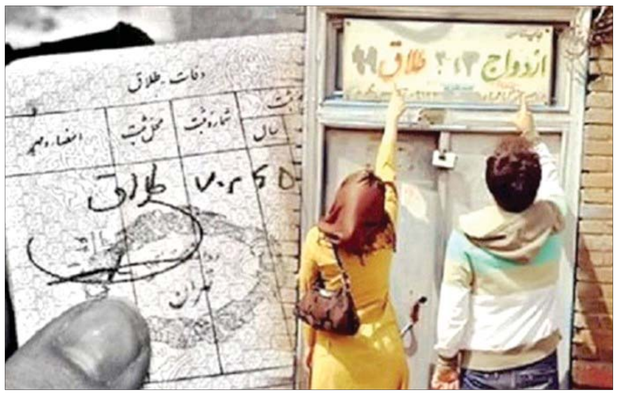

نگاهی نزدیک‌تر به ازدواج و طلاق زودهنگام نوجوانان دهه ۷۰ و ۸۰ و دلایل آن

رقابت کودک‌همسرها برای طلاق

معصومه اصغری: همان‌قدر که ازدواج‌نکردن دهه‌شمسی‌ها در چشم جامعه مشکلی بزرگ بود و جمعیت این دهه را با انگشت نشان می‌دادند که این گروه عامل مشکلات یک نسل هستند. حالا هم دهه هفتاد و هشتاد و بسیاری از رفتارهای‌شان به‌خصوص درمورد ازدواج و طلاق مورد توجه قرار گرفته است. از قضا آنچه درمورد ازدواج و طلاق متولدان این نسل شاهد هستیم، در آن سوی بام متولدان دهه‌های قبل است؛ یعنی هم ازدواج زیادی بین شان رخ داده است و هم زود ازدواج‌کردن را در دستور کار زندگی‌شان گذاشته‌اند. تا اینجای کار مشکل چندانی ندارد؛ اما داستان از آنجا نگرانی برخی را برانگیخته که همپای آمار ازدواج متولدان این سال‌ها، آمار طلاق هم رشد صعودی عجیبی دارد. عمر زندگی مشترک این ازدواج‌ها کمتر از یک یا دو سال است و به دلیل سن کم و نرسیدن بسیاری از این کودک‌های سنی به نقطه‌ای از استقلال شغلی و مالی دوباره به خانه پدری‌شان برمی‌گردند و خیلی زود وارد پروسه ازدواج مجدد هم می‌شوند.

علیرضا شریفی‌یزدی
دکترای روان‌شناسی اجتماعی و عضو پژوهشکده خانواده

موضوع ازدواج‌های نابهنگام و زودتر از سن قانونی در سوابق تاریخی کشور وجود دارد و می‌توان درباره دلایل آن موارد زیادی را برشمرد. بسیاری از این دلایل در دنیای قدیم بیشتر وجود داشتند و بسیاری دیگر با وجود ورود به دنیای مدرن و افزایش آگاهی و دسترسی به سلامت و بهداشت جسم و روان همچنان وجود دارند. در دهه‌های اخیر و با وجود تغییرات مختلف در امکانات و شرایط زندگی و حتی موارد قانونی همچنان شاهد هستیم که ازدواج‌های نابهنگام به‌خصوص درباره دختران کم سن و سال رواج داشته است و شاهد رجعتی از تمایل به ازدواج در سنین بالا به سمت تمایل به ازدواج در نوجانی و خیلی زود هستیم و این شرایط می‌تواند نگران‌کننده باشد. در مورد دلایل این مسئله هم اجتماعی چند عامل اصلی را می‌توان برشمرد که بدون شک یکی از مهم‌ترین مسائل فقر فرهنگی است. سالانه هزاران ازدواج در کشور به ثبت می‌رسند که زیر سن قانونی هستند و هزاران ازدواج دیگر رخ می‌دهد که به دلیل زیر سن قانونی بودن دختران و پسران ثبت نمی‌شوند تا دو طرف و بچه‌ها و خانواده‌ها، به سن قانونی برسند. در کنار این موضوع عامل مهم دیگر فقر فرهنگی است؛ عمده این ازدواج‌های زودهنگام در خانواده‌هایی رخ می‌دهد که در دهک‌های ۷ تا ۱۰ درآمدی هستند و در مجموعه خانواده‌های محروم و کم‌بضاعت محسوب می‌شوند و ازدواج نوعی فرار از این شرایط است. حالا یا والدین برای کم‌کردن هزینه‌ها می‌خواهند دختر را شوهر بدهند و یا نوعی معامله رخ می‌دهد و به نام شیرینها و مهریه و حتی گرفتن وام ازدواج، دختر را به عقد فردی بزرگ‌تر از خودش درمی‌آورند.

در بررسی دلایل زودهنگام ازدواج دختران در این سنین به کروهی هم برمی‌خوریم که در قشر متوسط به بالا قرار دارند اما در خانواده و از سوی والدین تحت انواع فشارها هستند و می‌خواهند برای فرار از خانه و خانواده، ازدواج کنند. این موضوع به‌خصوص در میان نسل دهه ۷۰ و ۸۰ با اختلافات نسلی بیشتری با والدین خود احساس می‌کنند بیشتر دیده می‌شود. درکنار این موضوع باید به وجود زمینه‌های آزاد و شکل‌گیری ارتباطات نامتعارف در میان نوجوانان امروز اشاره کرد که کمیت آسیب‌ها با اهداف و از سوی گروه‌های دیگری مورد استفاده قرار گرفته و بعد از ازدواج هم می‌شوند و ممکن است فرک کنند اگر دختر یا پسرشان زودتر ازدواج کند، کمتر ممکن است آلوده شود. حتی ممکن است به دلیل وجود رابطه‌ای خانواده و خود این افراد تصمیم به ازدواج بگیرند و در بهترین حالت دچار احساسات غلطی شده باشند و خیلی زود تب عشقشان می‌افتد و با واقعیت زندگی روبه‌رو می‌شوند.

در این میان یکی، دو دلیل دیگر هم از سوی والدین و تصمیم‌سازان جامعه بسیار دیده شده است. یکی از این موارد ترس از نبود خواستگار و گذشتن از سن ازدواج از سوی والدین است. بسیاری از والدین با توجه به تجربه تاریخی نسل خود و شرایط اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در جامعه‌ای پر از آسیب ترجیح می‌دهند دخترشان را به اولین خواستگار بدهند و تن به ازدواج زودهنگام می‌دهند. از سوی دیگر مسئولان در جامعه تبلیغات غلط و تسهیلاتی را برای ازدواج در نظر می‌گیرند که بدون توجه به تبعات این تصمیمات است. به نظر می‌رسد که این واهم‌ها و تسهیلات با اهداف و از سوی گروه‌های دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرند و در بسیاری از موارد والدین فرزندان (دختران) را ترغیب به ازدواج می‌کنند تا از این واهم‌ها برخوردار شوند و به زخم زندگی خودشان بزنند.

یک بُعد نوجوانی که بکباره از دنیای مطلوب وارد زندگی متاهلی و مسئولیت می‌شوند، با آسیب‌های جسمی و روانی زیادی روبه‌رو هستند. بسیاری از این نوجوانان هنوز از نظر جسمی و روحی به مرحله انسجام نرسیده‌اند و در زندگی جدید با اختلال‌های روانی زیادی روبه‌رو می‌شوند و نمی‌توانند مشکلات را حل کنند. مسئولیت‌های زندگی برای یک کودک‌همسر و اوردندن به رابط جنسی و حامله‌شدن اختلال و آسیب‌های جبران‌ناپذیری دارد چراکه این کودکان و نوجوانان چه در مدرسه و چه در خانواده و نه حتی به طور طبیعی برای آن آماده نشده‌اند. حذف دختران از مدرسه و گروه دوستان و بسیاری روابط اجتماعی، عدم مهارت‌آموزی و آموزش‌های لازم برای ازدواج این گروه نوجوان را دچار حواشی غیرقابل حل و در نهایت مسیر طلاق می‌کند.

نکته بعد این است که سال‌هاست به شکل خاموش و بدون آمار در میان بسیاری از زوج‌ها و خانواده‌ها رخ می‌دهد اشاره کنیم و آن هم طلاق عاطفی - جنسی - سکوت و یا انواع خیانت‌هاست. ممکن است بسیاری از طلاق‌ها در کروه‌های سنی دیگر به این دلیل تبدیل به طلاق رسمی نشوند اما این گروه سنی نوجوان (دهه ۷۰ و ۸۰) دیگر مثل نسل‌های قبل تحمیدی به ماندن در چنین زندگی‌هایی ندارند و به دلیل نبود مهارت‌های کنترل موقعیت، ترجیح می‌دهند خیلی زود از این زندگی خارج شوند و طلاق بگیرند.

در این مورد کارشناسان جامعه بسیار دیده شده است که کودکانش در ۱۲ سالگی درگیر ازدواج هستند و در ۱۸ سالگی طلاق. چه شهروندانی تولید می‌کند؟!

مهر: در بسیاری از پرونده‌های طلاق بیشتر متولدین دهه ۷۰ و سال‌های ۶۸ و ۶۹ تحت مدیریت خانواده و مادر اقدام به طلاق توافقی می‌کنند.

سعید کاویانی، مدیرکل پیشگیری از جرم دادگستری قم: بیش از ۵۰ درصد طلاق‌ها مربوط به متولدان دهه ۶۰ و ۷۰ است. عامل ۶۰ درصد طلاق‌ها ناموفق بودن زوجین در برقراری ارتباط کلامی، معنوی، جنسی و اجتماعی است/ ایرنا

به جوری میگن طلاق به دهه هفتادی‌ها رسید. انگار طلاق یه بیماری واگیردار مربوط به دهه ۶۰ به قبل بوده که با توزیع گسترده واکسن انتظار می‌رفته تو دهه ۷۰ شیوع پیدا نکنه

سیر تطور واژگان جدایی تا دوران اوج تحریم‌ها:

دهه ۵۰: آدما از هم جدا نمی‌شن / دهه ۶۰: باید طلاق بگیریم / دهه ۷۰: یا جدا شیم

دهه ۸۰: ما به درد هم نمی‌خوریم / دهه ۹۰: ببین، راستش ما رابطه‌مون کار نمی‌کنه

دختر همکار بابام طلاق گرفته

آمارها دروغ نمی‌گویند

براساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و پیش‌بینی‌های جمعیتی متکی بر آن، تعداد رویداد ازدواج و طلاق در پاییز ۱۴۰۰ به ترتیب برابر ۱۴۴هزارو ۶۷۹ و ۵هزارو ۳۵۷ مورد بوده است که این روند تقاضا به ترتیب ۷.۲ و ۱.۱ درصد و نسبت به فصل مشابه سال قبل به ترتیب ۱۰.۲ و ۵.۱ درصد افزایش یافته است. به طور کلی، میانگین سن در اولین ازدواج در مناطق شهری همواره بالاتر از مناطق روستایی بوده است. در پاییز ۱۴۰۰، میانگین سن در اولین ازدواج در مردان ۲۷.۸ سال و در زنان ۳۰.۳ سال بوده است. همچنین میانگین سن در زمان ازدواج برای پاییز ۱۴۰۰ در مردان ۲۵.۲ سال و در زنان ۲۱.۳ سال بوده است.

در پاییز ۱۴۰۰ به ترتیب تعداد سه هزار و هشت‌هزارو ۲۳۵ مورد ازدواج پسر و دختر کمتر از ۱۵ سال سن ثبت شده است. بیشترین ازدواج مردان در بازه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال برابر ۸۱هزار و ۴۱۷ مورد بوده است. این رقم برای زنان نیز در بازه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال برابر ۶۰هزار و ۸۸۱ مورد بوده است.

به طور کلی، روند رو به رشد میزان طلاق در دهه ۸۰ پیش‌رونده بوده است. به طور نمونه درحالی‌که آمار کلی طلاق در سال ۸۴، بیش از ۸۴هزارو ۲۴۱ مورد بوده است، تنها یک سال بعد در سال ۸۵ با ۱۰ هزار مورد افزایش به ۹۴هزارو ۳۹ مورد می‌رسد و به این روند افزایشی ادامه می‌دهد تا در سال ۸۶ به ۹۵هزارو ۸۵۲ مورد می‌رسد و در نهایت در سال ۸۷ مقاومت عدد صد هزار را در هم‌شکنند و به ۱۱۰هزارو ۵۱۰ مورد می‌رسد.

براساس آمار ثبت احوال و مرکز آمار ایران، آمار طلاق در سال ۱۳۸۸ به عدد ۱۲۵هزارو ۲۲۷ مورد، در سال ۱۳۸۹ به ۱۳۷هزارو ۲۰۰ مورد و در سال ۱۳۹۰ به ۱۴۲هزارو ۸۴۱ مورد می‌رسد و این روند افزایشی تا امروز ادامه دارد. آمار طلاق که در دهه ۶۰ و تا نیمه دهه ۷۰ در میانگین عدد ۳۰ و ۳۷ هزار مورد مانده بود، از حدود سال ۱۳۷۶ شتاب درخورتوجهی گرفت. اگر یک دهه ۷۰ - ۱۳۶۰ را در نظر بگیریم که در ۱۵ساله اخیر ازدواج کرده و طلاق گرفته است، باید به آمار سال‌های ۸۵ به بعد نکته کنیم و روند رشد این طلاق‌ها بررسی شود. سهم ازدواج‌های زودهنگام و ناکام این کروه‌های سنی به‌خوبی دیده می‌شود که متاسفانه همچنان هم ادامه دارد و به دهه هشتاد هم رسیده است.

براساس این کزارش شاید تا سال کذشته کمتر فضاهای عمومی و رسانه‌ها با موضوع افزایش آمار طلاق در میان دهه هفتاد و هشتاد آشنا بودند و علاوه بر فرضاهای تخصصی جمعیتی، این کروه‌های دوستانه و فامیلی بودند که هر روز خبر ازدواج یا طلاق یک دختر یا پسر نوجوان را می‌شنیدند. با این حال این دو کروه سنی، به شکلی مستقیم و شوکه‌کننده اثر حضورشان را بر آمارها کذاشته‌اند. براساس آمار، میانگین سن طلاق برای زنان در کل کشور حدود ۳۳ سال بوده است؛ اما به شکل جزئی‌تر باید ک